

آخرین وضعیت تحولات یمن

و ابعاد و زوایای مذاکرات ایران و عربستان

چکیده

۱. یکی از دلایل عقب افتادن آزاد سازی مأرب این است که انصارالله حاضر نبوده از راه جنگ وارد این استان شود و طی ماه‌های گذشته با برگزاری گفت‌وگوهای گسترده با قبایل این استان، تلاش کرده تا آنها را متقاعد به همکاری با خود کند. این قبایل اکنون حاضر شده‌اند که مناطق تحت نفوذ خود را با مسالمت در اختیار انصارالله قرار دهند.

۲. اهمیت آزادسازی مأرب در آن است که در صورت کنترل این استان، انصارالله هم به منابع عظیم نفتی دست یافته و هم راه را برای آزادسازی استان‌های جنوب و شرق یمن باز می‌کند. درواقع، انصارالله با تصرف این استان، بر تمام مناطق شمالی یمن حاکم خواهد شد. در عین حال، استان مأرب سمبل قبایل یمن می‌باشد، به گونه‌ای که قدرتمندترین قبایل یمن در این استان حضور دارند و آنها تأثیر بسزایی در سرنوشت شمال یمن دارند.

۳. شروط انصارالله برای پایان یافتن جنگ عبارت‌اند از: ۱. پایان یافتن تجاوز، ۲. لغو محاصره یمن، ۳. پرداخت غرامت جنگی (مهمترین شرط که براساس آن، از

کسانی که تا دیروز معتقد به خروج انصارالله از صنعا بودند غرامت جنگی می‌خواهد)، ۴. تعهد به عدم دخالت در امور یمن، ۵. بازسازی یمن و ۶. پرداخت غرامت جنگی.

۴. تغییر دولت در آمریکا، روند تحولات منطقه‌ای بویژه در یمن، روند پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و حضور قوای ایرانی در عراق از جمله دلایل چرایی آوردن عربستان به مذاکره با ایران می‌باشد.

۵. سعودی‌ها ابتدا در مذاکرات خواهان میانجی‌گری ایران در ارتباط با یمن بودند که در مقابل، ایران ضمن رد میانجی‌گری، قول کمک و مساعدت به سعودی‌ها برای حل سیاسی مسأله یمن داده است. نکته مهم در این میان آن است که ایران با رد میانجی‌گری، به سعودی‌ها گفته که خودتان باید با یمنی‌ها مذاکره کنید. دلیل این امر آن است که ایران نمی‌خواهد جلوی پیش‌روی‌های انصارالله گرفته شود. براین اساس، سعودی‌ها احساس می‌کنند که جمهوری اسلامی حاضر نیست خود را بین آنها و یمنی‌ها قرار دهد. در همین راستا باید گفت که اولویت عربستان در مذاکرات، به ترتیب شامل، حل مسأله یمن، مسائل منطقه‌ای و روابط دوجانبه با ایران است، اما اولویت‌های ایران در مذاکره با سعودی‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: روابط دوجانبه، مسائل منطقه‌ای و مسأله یمن.

۶. سعودی‌ها همچنان در عادی‌سازی روابط با ایران تردید دارند؛ زیرا احساس می‌کنند که در مقابل ایران، دستشان خالی است. براین اساس، به نظر می‌رسد که در دور پنجم مذاکرات ایران و عربستان، که معلوم هم نیست برگزار شود یا نه، اتفاق خاصی نخواهد افتاد.

آخرین وضعیت تحولات یمن

مقدمه

درباره ارزیابی آخرین وضعیت یمن باید گفت که جنگ یمن بعد از گذشت شش سال و هشت ماه از آغاز جنگ نتیجه‌ای در بر نداشته است. بهترین و گویاترین بیان در این خصوص را می‌توان اظهارات سفیر انگلیس در یمن دانست که اخیراً (در تاریخ ۱۴۰۰/۰۸/۰۲) گفته که عربستان ضرورت دارد به تحولات بزرگ ناشی از دستاوردهای میدانی صنعا (دولت انصارالله - دولت نجات ملی) و پایداری سیاسی آن اعتراف کند و در مضمون قطع‌نامه ۲۲۱۶ مورخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۵ تجدید نظر شود؛ زیرا براساس این قطع‌نامه سعودی‌ها به یمن حمله کردند. این قطع‌نامه داری حدود ۷ بند می‌باشد و مضمون آن این است که انصارالله صنعا را ترک کند و خود را خلع‌سلاح نماید، دولت مستعفی یمن به مسند قدرت بازگردد و یمن تحت نفوذ عربستان قرار گیرد. علت بیان این اظهارات از سوی سفیر انگلیس آن است که قطع‌نامه مذکور از درون تهی شده است و وضع در روی زمین هر روز به نفع انصارالله در حال تغییر است. وی تأکید کرده برای هرگونه راه‌حل سیاسی بین طرف‌های در حال جنگ در یمن به قطع‌نامه جدید نیاز است. در همین راستا، طبق گفت‌وگوهای صورت گرفته،

ظاهراً بیان شده است که شورای امنیت حاضر به تصویب قطع‌نامه جدید است، اما آنها به دنبال گرفتن ضمانت از انصارالله هستند که پس از تصویب قطع‌نامه، انصارالله حاضر به پذیرش آن باشد؛ یعنی شرایط جنگ به این نقطه رسیده که شورای امنیت این را پذیرفته که قطع‌نامه ۲۲۱۶ را باید کنار بگذارد. دلیل این امر نیز، همانگونه که اشاره شد، آن است که انصارالله دولت سابق نیست و شرایط آن به گونه‌ای تغییر کرده که امروز سرزمین و ۸۰٪ جمعیت یمن را در اختیار خود دارد. با توجه به قدرت در اختیار و روزافزون بودن آن باید امروز با انصارالله مذاکره و گفت‌وگو کنند و ماحصل شش سال و هشت ماه جنگ با یمن این بوده است.

آزادسازی مأرب؛ اهمیت و آخرین وضعیت

مهمترین رویدادی که در حال حاضر در یمن در جریان است، بحث آزادسازی استان مأرب است. استان مأرب دارای ویژگی‌های خاص خود است؛ از جمله دارای منابع عظیم نفتی می‌باشد، جریان‌های سلفی در این استان حضور فعال دارند و آنها معتقدند در صورت تصرف این استان توسط انصارالله هم به منابع عظیم نفتی دست یافته و هم راه را برای آزادسازی استان‌های جنوب و شرق یمن باز می‌کند. در واقع، انصارالله با تصرف این استان، بر تمام مناطق شمالی یمن حاکم خواهد شد. در عین حال، استان مأرب سمبل قبایل یمن می‌باشد، به گونه‌ای که قدرتمندترین قبایل یمن در این استان حضور دارند و آنها تأثیر بسزایی در سرنوشت شمال یمن دارند. از جمله این قبایل، قبیله مراد هست که

این مجلم مرادی هم از این قبیله است و از دیگر قبایل معروف این منطقه عبید می‌باشد.

یکی از دلایل عقب افتادن آزادسازی مأرب این است که انصارالله حاضر نبوده از راه جنگ وارد این استان شود و طی ماه‌های گذشته با برگزاری گفت‌وگوهای گسترده با قبایل این استان، تلاش کرده تا آنها را متقاعد به همکاری با خود کند. این قبایل اکنون حاضر شده‌اند که مناطق تحت نفوذ خود را با مسالمت در اختیار انصارالله قرار دهند. در مقابل، انصارالله به آنها قول داده که همان قبایل را بر مناطق خودشان حاکم نماید. از حدود ۲۴ منطقه شهری در مأرب، در حال حاضر ۲۲ منطقه در اختیار انصارالله می‌باشد و فاصله بسیار کمی با مرکز شهر دارد و به همین علت است که آمریکایی‌ها بر این اصرار دارند که جنگ مأرب پایان پذیرد؛ تا آنجا که در این راستا، نماینده بایدن در امور یمن، به شخصه شش سفر به کشورهای عمان و عربستان انجام داده است.

در همین زمینه باید اشاره کرد که در طول چند ماه گذشته بمباران‌های وحشتناکی در مأرب و حُدیده اتفاق افتاده است، با این هدف که انصارالله جبهه‌های یمن را رها کند و راه را برای دولت عبیدبن دغر خالی کند، اما انصارالله با هوشیاری کامل از اجرای این تاکتیک مطلع شد و به حفظ مناطق خود پرداخت. لذا مجموع شرایط به گونه‌ای در حال رقم خوردن است که سقوط مأرب قریب‌الوقوع است و در صورت سقوط مأرب، هیچ قدرتی جلودار انصارالله برای ورود به بخش جنوب یمن نخواهد بود.

جالب آنکه پیش‌روی‌های انصارالله در استان مأرب، به سمت استان مجاور آن؛ یعنی استان شبوه در جنوب یمن هم تداوم یافته است؛ امری که حائز اهمیت جدی است؛ زیرا با کنترل استان شبوه توسط انصارالله، این جنبش هم به منابع سرشار گاز در شبوه دست می‌یابد و مهمتر اینکه به ساحل دریای بحر العربی مسلط می‌شود؛ یعنی اینکه عملاً دسترسی انصارالله را به بحرالعربی و دریای آزاد میسر می‌کند. کنترل بحرالعربی راحت نبوده و سعودی‌ها در این دریا اشرافیت کامل ندارند. قبایل استان شبوه هم مذاکراتی را با انصارالله انجام داده‌اند و اعلام کرده‌اند که اگر استان مأرب بعد از کنترل توسط انصارالله، توسط قبایل خود اداره شود، آنها هم در کنار انصارالله حاضر خواهند شد.

اگر این دو استان از چنگ دولت تحت نفوذ عربستان و امارات خارج شود دیگر کنترل استان عدن و دیگر استان‌های یمن بسیار مشکل خواهد بود و گزارش‌هایی وجود دارد که سلاح‌های سنگین سعودی و اماراتی از مأرب خارج شده است. حتی گزارش‌های دیگری وجود دارد که شخصیت‌های بلند پایه سیاسی حزب اصلاح و دولت عبیدبن دغر آرام آرام در حال خروج از این استان هستند و احساس آنها این است که شرایط مناسبی برای ادامه حضور نخواهد بود. جالب این است که سعودی‌ها از اقدامات دولت عبیدبن دغر ناراحت و ناخشنود هستند و گفته می‌شود اقامت شخصیت‌های درجه دوم و سوم دولت عبیدبن دغر که در ریاض ساکن بودند را تعلیق نموده‌اند و حاضر نیستند اقامت به آنها بدهند.

اخيراً گزارش‌هایی وجود دارد که سعودی‌ها از آمریکایی‌ها درخواست کرده‌اند اقداماتی را در جهت ممانعت از سقوط مأرب انجام دهند. آنچه مطرح شده این است که طی گفت‌وگو با آمریکایی‌ها، قرار شده تا باند فرودگاه الریان(الریان) مرکز استان حضرموت و فرودگاه اصلی این استان است) را گسترش دهند که هواپیماهای باری و جنگی آمریکایی بتوانند در آنجا فرود بیاید تا سلاح و مهمات سنگین خود را در آنجا مستقر کنند تا بتوانند در آینده جلوی پیشروی انصارالله را به سمت جنوب و شرق یمن سد کنند. گزارش‌هایی وجود دارد که دولت عربستان سیاست بازسازی را در پیش گرفته است و با اماراتی‌ها اقدامات هماهنگی انجام می‌دهند که بتوانند با تجدیدنظر در سیاست‌های امنیتی و نظامی خود در جنوب یمن، با ایجاد شورای انتقالی جنوب، دست به احیای جنوب یمن بزنند و با تقویت آن منطقه، جلوی پیشروی انصارالله را در آینده بگیرند. سعودی‌ها می‌دانند شرایط به گونه‌ای است که اگر انصارالله بر مأرب و شبوه مسلط شود، نمی‌توان بر دیگر استان‌ها حاکم شد و علت آن هم ارتباط قبایل با یکدیگر است؛ زیرا در شرایطی قبایل مأرب که از سرسخت‌ترین قبایل یمن هستند حاضر می‌شوند با انصارالله مذاکره کنند و رفتار دوستانه‌ای با آنها صورت می‌گیرد، در این شرایط قبایل دیگر نمی‌توانند در مقابل انصارالله مقاومت کنند.

بنابراین، مجموع روندهای مشاهده شده در استان مأرب مثبت بوده و اخیراً اظهارات مهمی را وزیر دفاع دولت نجات ملی(دولت انصارالله) در تاریخ ۱۴۰۰/۰۸/۰۵ بیان داشته که تجاوز به یمن عملاً شکست خورده است و معنا و مفهومی ندارد و سعودی‌ها و اماراتی‌ها قادر به پیشروی نیستند، تمام پیشروی‌ها

مختص انصارالله می‌باشد. حتی به این نکته اشاره دارد که در آینده غافل‌گیری‌های جدیدی را در پیش خواهیم داشت، به خصوص در زمینه دفاع هوایی؛ چون نقطه ضعف انصارالله در پدافند هوایی بوده و بمباران عربستان و اماراتی‌ها سنگین می‌باشد و انصارالله کار زیادی را نمی‌تواند انجام دهد و قادر به برقراری پوشش هوایی نبوده و به همین علت است که ایشان بیان می‌کند غافل‌گیری‌هایی در پیش است. انصارالله در دفاع دریایی هم دچار ضعف می‌باشد و بیان این صحبت‌ها توسط وزیر دفاع دولت نجات ملی یک سیگنال قوی به عربستان محسوب می‌شود و از این طریق می‌گویند که در دریا و در هوا شما نمی‌توانید هر کاری را که می‌خواهید انجام بدهید که به زودی از سامانه پدافندی خود رونمایی خواهیم کرد که بسیار قابل توجه و تأمل خواهد بود.

آینده یمن (شروط انصارالله برای صلح)

تصور بر این است که آینده ملک سلمان و محمدبن سلمان به جنگ یمن گره خورده است و اگر شکست را بپذیرند و به صورت مستقیم با انصارالله وارد مذاکره شوند (گرچه مذاکراتی را در ریاض، اردن و عمان در سطوح پایین سیاسی انجام داده‌اند) و حقارت خود را بپذیرند، با این اتفاق محمدبن سلمان در حاکمیت عربستان جایی نداشته و منجر به سست شدن پایه‌ها و وضعیت او می‌شود. سعودی‌ها بر این اعتقادند که اگر قرار باشد نهایتاً پذیرای صلح باشند، در شرایطی این صلح را بپذیرا هستند که انصارالله در موضع قدرت نباشد و طبق آخرین اظهارات عبدالملک بدرالدین، انصارالله پنج شرط برای پایان یافتن جنگ تعیین کرده است:

۱. پایان یافتن تجاوز، ۲. لغو محاصره یمن، ۳. پرداخت غرامت جنگی (مهمترین شرط که براساس آن، از کسانی که تا دیروز معتقد به خروج انصارالله از صنعا بودند غرامت جنگی می‌خواهد)، ۴. تعهد به عدم دخالت در امور یمن، ۵. بازسازی یمن. جالب آن است که هر روز بر شروط انصارالله یمن افزوده می‌شود و قبلاً فقط دو شرط داشتند و آنها عبارتند از: ۱- لغو تجاوز ۲- لغو محاصره، ولی در حال حاضر سقف مطالبات خود را بالاتر برده‌اند. بنابراین، مشاهده می‌شود که با گذشت زمان، موقعیت و جایگاه انصارالله تقویت شده و در طرف مقابل، سعودی‌ها راهی به جزء مذاکره با انصارالله ندارند. بارها انصارالله اعلام کرده که طرف آنها دولت عبیدبن دغر نبوده؛ زیرا آنها در یمن کاره‌ای نبوده و انصارالله طرف مقابل خود را عربستان سعودی می‌داند. انصارالله بر این اعتقاد است که اگر عربستان خواهان صلح است باید رسماً اعلام مذاکره کند و بیان نماید که دولت عربستان در حال مذاکره با انصارالله است. این اقدام برای عربستان خیلی مشکل است؛ زیرا با این اقدام انصارالله را در یمن به رسمیت می‌شناسد و قطع‌نامه ۲۲۱۶ را زیر پا می‌گذارد.

سخن پایانی

مجموع تحولات و روندها در یمن به گونه‌ای است که به نفع سعودی‌ها نیست. شاید این تحلیل به نظر خوش‌بینانه باشد، اما وقتی به وضعیت میدانی نگاه می‌کنیم، شرایط به نفع عربستان نیست و زمین‌های که عربستان در شمال یمن در اختیار داشته همه را از دست داده است و مناطق جنوب و شرق یمن در تهدید انصارالله می‌باشد. در حال حاضر، موقعیت انصارالله در صنعا تقویت شده و به

دولت با ثبات تبدیل شده و مناطق شمالی یمن از امنیت مطلق برخوردار می‌باشد، اما در مناطق جنوبی یمن از جمله عدن هر روز بمباران، بمب‌گذاری، ترور و اقدامات انتحاری صورت می‌گیرد. مهمتر اینکه علی‌رغم اینکه سعودی‌ها یک میلیارد دلار در بانک مرکزی یمن سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا بتوانند پول یمن را تقویت کنند؛ ارزش برابری ریال یمن در عدن نصف ارزش برابری ریال یمن در داد و ستد صنعا هست. در صنعا، ارزش یک دلار ۶۰۰ تا ۸۰۰ ریال است، ولی در عدن ارزش یک دلار ۱۴۰۰ ریال است. نتیجه اینکه شرایط میدانی، سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی در یمن به نفع انصارالله بوده و گزارش‌هایی که در زمینه قحطی و گرسنگی در یمن وجود دارد، مربوط به مناطق تحت تصرف انصارالله نبوده و بیشتر به مناطق خاکستری و خارج از مدیریت انصارالله باز می‌گردد.

مذاکرات ایران و عربستان؛ روندهای طی شده

و دورنمای آینده

مقدمه

عربستان سعودی از سال ۲۰۰۳ میلادی بنابر شرایط منطقه‌ای سیاست خود را از حالت محافظه‌کارانه به سمت سیاست‌های کنش‌گرایانه، تهاجمی و مداخله‌جویانه سوق داد. این تغییر سیاست، نشأت گرفته از تعریف راهبردهای عربستان سعودی براساس تقابل و رویارویی با ایران بود. مهمترین اقدام سعودی‌ها در این راستا، دخالت‌های فراوان در عراق پس‌اصدام و حمایت از تروریست‌ها در سوریه و عراق بود که با سرکوب ماشین تروریسم تکفیری در عراق و سوریه، بار دیگر سعودی‌ها تغییر راهبرد دادند و به سمت گسترش بحران در حوزه‌های راهبردی ایران تغییر جهت دادند. تلاش ناموفق برای کشاندن جنگ به داخل ایران و همچنین، ائتلاف‌سازی در حمله به یمن در این راستا ارزیابی می‌شود. با این حال، اتخاذ این تصمیمات و سیاست‌ها منجر به شکست‌های متعدد برای عربستان شده است، به گونه‌ای که هم‌اکنون در جبهه‌های مختلف منطقه‌ای، علی‌رغم هزینه‌های سنگین سعودی‌ها، اما آنها شکست خورده‌اند؛ در سوریه بشار اسد تثبیت شده، در لبنان دولت تشکیل شده و اکثریت قریب به اتفاق وزرای

دولت از هم‌پیمانان حزب‌الله هستند و در عراق نیز یک ثبات نسبی حکمفرما شده است. با این حال، بعد از حدود دو دهه تقابل جدی عربستان با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در سطح منطقه، اما طی ماه‌های اخیر، این کشور از طریق مقامات عراقی، خواهان مذاکره با ایران شد؛ مذاکراتی که تاکنون چهار دور آنها برگزار شده است. چرایی این مذاکرات، روند طی شده در آنها و دورنمای آینده آنها موضوع بحث و بررسی در این نوشتار است.

چرایی روی آوردن عربستان به مذاکره با ایران

در این خصوص می‌توان به چهار متغیر مهم اشاره کرد:

۱. تغییر دولت در آمریکا: وقتی مشخص شد که ترامپ دیگر رئیس‌جمهور آمریکا نیست، سعودی‌ها متوجه شدند که دیگر نمی‌توانند روی حمایت‌های آمریکا در منطقه حساب کنند. بر همین اساس، ابتدا به سمت تنش‌زدایی با قطر رفتند و پیام‌های متعددی را هم از طریق عراق به ایران ارسال کردند. این در حالی بود که بن سلمان سه سال قبل ادعا می‌کرد که می‌خواهد جنگ را به داخل ایران بکشانند. در همین راستا، آنها به سمت بهبود روابط با عراق رفتند و ضمن بازگشایی گذرگاه مرزی خود با عراق، توافقاتی اقتصادی با عراق امضا کردند.

۲. روند تحولات منطقه‌ای بویژه در یمن: در کل تحولات منطقه، بویژه یمن، سعودی‌ها زمین‌گیر شده‌اند. همین امر، منجر به چالش‌های درونی برای آنها در عرصه‌های هوایی، زمینی و... نیز شده است (باتوجه به حملات انصارالله). در همین زمینه، انصارالله موفق شده تمام استان‌های شمالی یمن را در اختیار بگیرد و یک حاکمیت امن و باثبات در یمن ایجاد کند. این شرایط برای سعودی‌ها بسیار

سخت بود و آنها احساس کردند جز ایران کسی نمی‌تواند به آنها کم کند. آنچه که بر شدت وا همه سعودی‌ها افزوده، خروج بسیاری از موشک‌های آمریکایی از عربستان است. در همین راستا قابل ذکر است که عربستان سعودی بعد از سه رویداد مهم در سطح منطقه، تصمیم به تغییر در سیاست‌ها و جهت‌گیری‌هایش نسبت به ایران گرفت. این رویدادها عبارت‌اند از:

- حمله به آرامکو و هویداشدن نقاط ضعف امنیتی و سیاسی ریاض؛
- ساقط کردن پهپاد گلوبال هاوک توسط ایران و قدرت‌نمایی ایران در سطح منطقه‌ای و همچنین، عدم اطمینان به آمریکا در حوزه تأمین امنیت؛
- فعال شدن آمریکا برای پایان جنگ در یمن هرچند که یک اقدام نمایشی از جانب آمریکا باشد.

۳. روند پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران که باعث نگرانی آنها شده است.

۴. حضور قوای ایرانی در عراق: واقعیت آن است که سعودی‌ها مایل نیستند ایران یکه‌تاز اصلی صحنه عراق باشد.

کم و کیف مذاکرات

در رابطه با مذاکرات انجام شده و موضوعات مطروحه باید به چند نکته اشاره کرد:

۱. دستورالعمل مذاکراتی بین دو کشور مبتنی بر ایجاد روابط در سطوح مختلف سیاسی و برقراری ارتباطات دیپلماتیک است. رویکرد مذاکراتی ایران مشتمل بر تعامل دیپلماتیک، همکاری‌های دوجانبه و مسائل منطقه‌ای است، اما عربستان سعودی دستورکار مذاکراتی که در پیش گرفته است از مسائل منطقه‌ای آغاز و

به تعامل دیپلماتیک ختم می‌شود. این در حالی است که ایران تأکید بر حل مشکلات بین دو کشور و سپس بسط آن به همکاری‌های منطقه‌ای دارد.

۲. مسائل مختلفی در این مذاکرات مطرح شده است؛ از مسائل منطقه‌ای تا روابط دوجانبه و دیپلماتیک. بسیاری بر روی این موضوع تأکید کرده‌اند که عربستان بنابر شکست‌های منطقه‌ای بویژه در یمن، تمایل به ایجاد روابط و مذاکره با ایران دارد. عربستان بخوبی واقف است که برای حل مسائلش در منطقه باید نگاه ویژه‌ای به ایران داشته باشد. بحران یمن در مقطع فعلی برای عربستان بیش از هر چیزی اهمیت دارد و اهمیت آن مبتنی بر راهبرد "خروج با دستاورد" است. از منظر عربستان پایان جنگ در یمن باید دستاوردی برای عربستان داشته باشد؛ زیرا خروج بدون دستاورد به منزله قبول شکست است. اهمیت بحث یمن زمانی بیشتر خواهد شد که انصارالله و کمیته‌های مردمی یمن در آستانه آزادسازی "مأرب" از چنگ نیروهای ائتلاف سعودی و غربی هستند. در اهمیت آزادسازی مأرب همین بس که آزادسازی این استان به منزله پایان بحران یمن و پیروزی نیروهای انصارالله و مردم یمن خواهد بود.

در همین راستا باید اشاره کرد که سعودی‌ها ابتدا در مذاکرات خواهان میانجی‌گری ایران در ارتباط با یمن بودند که در مقابل، ایران ضمن رد میانجی‌گری، قول کمک و مساعدت به سعودی‌ها برای حل سیاسی مسأله یمن داده است. نکته مهم در این میان آن است که ایران با رد میانجی‌گری، به سعودی‌ها گفته که خودتان باید با یمنی‌ها مذاکره کنید. دلیل این امر آن است که ایران نمی‌خواهد جلوی پیش‌روی‌های انصارالله گرفته شود. براین اساس،

سعودی‌ها احساس می‌کنند که جمهوری اسلامی حاضر نیست خود را بین آنها و یمنی‌ها قرار دهد.

در مورد چرایی ورود جمهوری اسلامی ایران به مذاکره با عربستان هم باید گفت که ایجاد روابط ایران و عربستان و کاهش تنش بین دو کشور مطمئناً در آینده بر روی حوزه‌های منطقه‌ای تأثیرگذار خواهد بود. این بحث مطرح است که چنانچه ایران مایل به مذاکره و ایجاد روابط با عربستان نبود، اکنون این کشور نیز همچون امارات و بحرین به سمت عادی‌سازی رسمی روابط با رژیم صهیونیستی پیش می‌رفت. بنابراین، ایران در جهت کاهش تنش‌های منطقه‌ای و حل آنها و سپس جلوگیری از پیوستن عربستان به ائتلاف عربی-عبری اقدام به مذاکره با عربستان کرد. بر همین مبنا است که بسیاری از کشورها همچون آمریکا موافق این مذاکرات نیستند؛ زیرا در صورت توافق طرفین بسیاری از مشکلات موجود منطقه‌ای که ابزاری برای سواستفاده برخی بازیگران همچون رژیم صهیونیستی شده است، حل خواهد شد. ضمن اینکه باید توجه داشت که جمهوری اسلامی ایران همواره خواهان حل مسائل منطقه‌ای با کشورهای منطقه و از طریق راهکارهای منطقه‌ای است.

ارزیابی نهایی

سعودی‌ها همچنان در عادی‌سازی روابط با ایران تردید دارند؛ زیرا احساس می‌کنند که در مقابل ایران، دستشان خالی است. بویژه که مآرب هم در آستانه‌ی آزادسازی قرار دارد. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد سعودی‌ها در منطقه دست از جاه‌طلبی بردارند و امتیاز خاصی از سعودی‌ها نمی‌خواهد.

براین اساس، به نظر می‌رسد که در دور پنجم مذاکرات ایران و عربستان، که معلوم هم نیست برگزار شود یا نه، اتفاق خاصی نخواهد افتاد. البته بسته به روند تحولات عراق، سوریه و یمن و همچنین، مذاکرات هسته‌ای ایران با کشورهای ۴+۱ ممکن است روند حاکم بر مذاکرات ایران و عربستان دگرگون شود.